Orginal

Presentation of the Model of the Impact of Successful Intelligence with an Educational Approach on the Psychological Empowerment of University Professors

Tahereh Teimouri Yansari[1], Masoumeh Bagherpur[2*], Negin Jabbary[3]

1. Department of Educational Management, Go.C, Islamic Azad University, Gorgan, Iran.
2. Associate Professor,Department of Educational sciences, BG.C, Islamic Azad University, Bandar Gaz, Iran.
3. Department of Educational Management, Go. C., Islamic Azad University, Gorgan, Iran.
*Corresponding Author: E-mail: Ma.Bagherpur@iau.ac.ir

(Received 6 August 2025 Accepted 23 December 2025)

Abstract

Introduction: University professors, as one of the main pillars of the education system, need to manage their psychological well-being. This enables them not only to maintain their own mental health but also to play an effective and positive role in the education process and promote the mental health of students. “Psychological success” or “successful emotional intelligence” is one of the important psychological domains that professors should ensure they possess for their own empowerment. Accordingly, the present study was conducted with the aim of reviewing successful intelligence with an educational approach and its impact on the psychological empowerment of university professors.
Method: This study was applied in nature and conducted using a sequential exploratory mixed-methods design. In the qualitative phase, the dimensions of successful intelligence with an educational approach were identified through grounded theory and interviews with 13 university experts. In the quantitative phase, 289 participants were selected through stratified random sampling from among 1,162 faculty members of universities in Golestan Province, and they were assessed using two questionnaires on successful intelligence and psychological empowerment. Validity and reliability of the instruments were examined using established statistical indices, and the data were analyzed qualitatively through grounded theory coding and quantitatively through structural equation modeling.
Findings: The results showed that successful intelligence, a combination of analytical, creative, and practical intelligence, plays a key role in enhancing the psychological capabilities of professors. Successful intelligence enables professors to improve their abilities in controlling emotions, coping with work-related stress, classroom conflicts, and educational environments, establishing effective communication with students, colleagues, other professors, and administrators, enhancing cognitive and emotional skills and professional behaviors, and improving the work-life balance of professors.
Conclusion: It is recommended that universities and educational institutions guide and support university professors and instructors in benefiting from training related to successful intelligence, so that the improvement of students’ mental health, alongside the quality of higher education, is enhanced. This educational approach has been recognized as a sustainable strategy for the psychological management of university professors and instructors and for promoting an effective and positive educational environment.

Keywords: *Educational Approach, Faculty Empowerment, Psychological Empowerment, Professors, Successful Intelligence, University.*

ClinExc 2025;15(89-101) (Persian).

[Downloaded from ce.mazums.ac.ir on 2026-11-18]

ارائۀ مدل تأثیر هوش موفق با رویکرد آموزشی در توانمندسازی روان‌شناختی استادان دانشگاه‌ها

طاهره تیموری یانسری[۱]، معصومه باقرپور[۲*]، نگین جباری[۳]

چکیده

مقدمه: استادان دانشگاه به‌عنوان یکی از ارکان اصلی نظام آموزشی، نیازمند مدیریت روان‌شناختی خود هستند تا بتوانند علاوه‌بر حفظ سلامت روان خود، نقش مؤثر و مثبتی در فرایند آموزش و ارتقای سلامت روان دانشجویان ایفا کنند. «موفقیت روان‌شناختی» یا «هوش هیجانی موفق» یکی از حیطه‌های مهم روان‌شناختی است که استادان باید برای توانمندی خود، از برخورداری آن اطمینان حاصل کنند. بر این اساس، مطالعۀ حاضر با هدف مروری بر هوش موفق با رویکرد آموزشی و تأثیر آن بر توانمندسازی روان‌شناختی استادان دانشگاه‌ها صورت گرفته است.

روش کار: این پژوهش کاربردی و به روش آمیخته اکتشافی متوالی انجام شده است. در بخش کیفی، با استفاده از نظریه داده‌بنیاد و مصاحبه با ۱۳ خبره دانشگاهی، ابعاد هوش موفق با رویکرد آموزشی شناسایی شد. در بخش کمی، از میان ۱۱۶۲ عضو هیئت علمی دانشگاه‌های استان گلستان، ۲۸۹ نفر به‌صورت تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند و با دو پرسش‌نامه درباره هوش موفق و توانمندسازی روان‌شناختی مورد بررسی قرار گرفتند. برای سنجش روایی و پایایی ابزارها از شاخص‌های معتبر آماری استفاده شد و تحلیل داده‌ها نیز در بخش کیفی با کدگذاری داده‌بنیاد و در بخش کمی با مدل‌سازی معادلات ساختاری انجام گرفت.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که هوش موفق ترکیبی از هوش تحلیلی، خلقی و عملی، در ارتقای توانمندی‌های روان‌شناختی استادان نقش کلیدی دارد. هوش موفقْ استادان را قادر می‌کند تا بین توانمندی خود در زمینه‌های کنترل هیجانات، مواجهه با استرس‌های شغلی، تعارضات کلاس درس و محیط‌های آموزشی و ارتباط مؤثر با دانشجو، کارکنان، دیگر استادان و مدیران، بهبود مهارت‌های شناختی، عاطفی و رفتارهای حرفه‌ای، بهبود تعادل بین زندگی کاری و شخصی استادان برقرار شود.

نتیجه‌گیری: توصیه می‌شود دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی استادان و مدرسان دانشگاهی را در بهره‌مندی از آموزش‌های مرتبط با هوش موفق هدایت و حمایت کنند تا ارتقای سلامت روان دانشجویان در کنار کیفیت آموزش عالی بهبود یابد. این رویکرد آموزشی به‌عنوان یکی از راهبردهای مانا در مدیریت روان‌شناختی استادان و مدرسان دانشگاهی و ارتقای محیط آموزشی مؤثر و مثبت شناخته شده است.

واژه‌های کلیدی: هوش موفق، رویکرد آموزشی، دانشگاه، توانمندسازی استادان، توانمندسازی روان‌شناختی، توانمندسازی روان‌شناسی، استادان.

۱. گروه مدیریت آموزشی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.
۲. دانشیار، گروه علوم تربیتی، واحد بندرگز، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرگز، ایران
۳. گروه مدیریت آموزشی، واحد گرگان ، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.
*نویسنده مسئول: دانشگاه آزاد اسلامی، بندر گز
Email: Ma.Bagherpur@iau.ac.ir

تاریخ دریافت:۱۴۰۴/۰۵/۱۵ تاریخ ارجاع جهت اصلاحات: ۱۴۰۴/۰۷/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۰۲

[Downloaded from ce.mazums.ac.ir on 2026-11-18]

مقدمه

برای اینکه افراد در زندگی‌شان موفق شوند، نیاز دارند تا در مهارت‌هایشان به‌خوبی عمل کنند. افرادی موفق هستند که بتوانند از توانایی‌های تفکر تحلیلی، خلاق و عملی برای رسیدن به موفقیت استفاده کنند (۱). یکی از مهم‌ترین گروه‌های مؤثر در جامعه، استادان، معلمان، مدرسان و مربیان هستند؛ زیرا آن‌ها در آموزش، تربیت و شکل‌دادن به نسل‌های آینده نقش مستقیمی دارند و با انتقال دانش، مهارت‌ها و ارزش‌های انسانی، بستر پیشرفت و توسعهٔ فردی و اجتماعی را فراهم می‌کنند، اما استادان به‌علت جایگاه علمی خود، تأثیر قابل توجهی در ارتقای سطح علمی و فرهنگی جامعه دارند و سرمایه و عنصر اصلی دانشگاه‌ها، اعضای هیئت‌علمی هستند که آشنایی‌شان با تئوری هوش موفق و همچنین آموزش مفاهیم این نظریه، به آن‌ها نقش شایانی در نحوهٔ برخورد و سازگاری استادان با تنگناها و سختی‌های پیش‌رو در شغلشان و تبدیل این چالش‌ها به فرصت است که می‌تواند موجب بهبود توانمندی روان‌شناختی استادان شود.

متأسفانه، در سازمان‌های آموزشی، بیشترین تفکری که آموزش داده و پیش‌بینی می‌شود، تحلیلی است، اما در دنیای واقعی، تفکر خلاق و عملی بسیار بیشتر استفاده می‌شود. ازاین‌رو، ضرورت توجه به هوش موفق در سازمان‌های آموزشی، ازجمله دانشگاه‌ها، بسیار حائز اهمیت است. از طرفی، توانمندسازی روان‌شناختی یکی از ابزارهای قدرتمند مدیریت منابع انسانی و تعالی سازمان است که می‌تواند به ایجاد مانعی در برابر استرس و همچنین باعث بهبود ارائهٔ خدمات منجر شود (۲). این نوع توانمندی کارکنان سازمان را قادر می‌کند هرچه بیشتر انعطاف‌پذیر و پاسخ‌گو باشند، به بهبود عملکرد فردی و سازمانی منجر می‌شود و موضوعی حیاتی برای نوآوری و اثربخشی سازمان است (۳).

به‌طور کلی، احساس توانمندی در عملکرد کارکنان سازمان تأثیر بسزایی دارد. چنانچه افراد احساس توانمندی کنند، منافع سازمانی و فردی متعددی را، از قبیل خلاقیت، انعطاف‌پذیری، حل مسئله، عملکرد شغلی با کیفیّت خوب، تعهد سازمانی، رضایت شغلی، سلامت و بهداشت روانی، در بر خواهد داشت. علاوه‌بر این، افراد توانمند خودکنترل و خودتنظیم هستند، آن‌ها به‌آسانی قبول مسئولیت می‌کنند و دیدگاه مثبتی دربارهٔ خود، دیگران و محیط دارند و به زندگی شغلی خوش‌بین هستند و اساساً دیگران را همکار و شریک می‌بینند، نه رقیب. هنگامی که تضاد یا مشکلی در موقعیت شغلی پیش می‌آید، به‌جای بی‌اعتنابودن و مشکل را به گردن دیگران انداختن، در جست‌وجوی راه‌حل آن هستند (۴).

توانمندسازی نیروی انسانی در سازمان‌های آموزشی به‌لحاظ نقش مهمی که در توسعه و پیشرفت جامعه در ابعاد متعدد دارد، از اهمیت بیشتری برخوردار است. لذا، دانشگاه‌ها باید با توجه به شرایط و مقتضیات خود، سازوکارهای مناسب برای توانمندسازی اعضای هیئت‌علمی شناسایی و تمام امکانات را بسیج کنند؛ چراکه اعضای هیئت‌علمی از عناصر اصلی آموزش عالی به شمار می‌روند و توانمندسازی آن‌ها انگیزهٔ بیشتری را برای حل مسائل کاری‌شان در آن‌ها بر می‌انگیزاند. ابعاد توانمندسازی اعضای هیئت‌علمی دانشگاه شامل چند بعد مهم است که یکی از آن‌ها بعد روان‌شناختی (روان‌شناختی) است. این بعد با توانمندسازی اعضا برای ایفای نقش‌های خود در محیط آموزش عالی مرتبط است و انگیزه و توانمندی آن‌ها را برای حل مسائل کاری افزایش می‌دهد.

ابعاد روان‌شناختی با افزایش حس خودکارآمدی، انگیزه و توانمندی اعضای هیئت‌علمی، زمینه‌ساز حل مسائل کاری و ارتقای کیفیت آموزش و پژوهش می‌شود (۶، ۵). یکی از رویکردهای ارتقای توانمندسازی روان‌شناختی استادان دانشگاه، توسعهٔ رویکردهای مدیریتی خودکارآمد است؛ برای مثال، استفاده از هوش موفق که بر توانمندسازی افراد با تأکید بر شناخت و مدیریت بهتر خود و موقعیت‌های کاری تمرکز دارد. این رویکردها استادان را قادر می‌کند تا با

[Downloaded from ce.mazums.ac.ir on 2026-11-18]

افزایش اعتمادبه‌نفس، خودمختاری و انگیزه در محیط دانشگاهی، در تدریس، پژوهش و مدیریت علمی، نقش مؤثرتری ایفا کنند. علاوه‌بر این، برنامه‌ها و سیاست‌هایی که به تقویت مهارت‌های خودمدیریتی، انعطاف‌پذیری، تفکر انتقادی و حل مسئله توجه دارند، می‌توانند به‌طور مؤثری توانمندسازی روان‌شناختی اعضای هیئت‌علمی را ارتقا دهند و در نتیجه، کیفیت کلی آموزش عالی را بهبود بخشند (۵).

هوش موفق توانایی دستیابی به موفقیت در زندگی با توجه به استانداردهای شخصی در محیط اجتماعی و فرهنگی به‌منظور انطباق و انتخاب محیط است و از طریق شناختن و سرمایه‌گذاری در نقاط قوت و قابل بهبود و جبران ضعف‌ها از طریق توازن توانایی‌های تحلیلی، خلاق و عملی ایجاد می‌شود (۷). از نظر استرنبرگ[1]، فرد برای اینکه در زندگی خود موفق باشد، باید بهترین استفاده را از قدرت هوش موفق (تحلیلی، خلاق و عملی) خود ببرد و به‌طور هم‌زمان نقاط ضعف موجود در این زمینه‌ها را جبران کند. این کار مستلزم تقویت نقاط ضعف براساس سازگاری بهتر با نیازهای خاص محیط و کار در محیطی است که برای نقاط قوت ویژهٔ افراد ارزش قائل می‌شود (۸).

هوش موفق توانایی تدوین، اجرا، نظارت و تطبیق برنامه‌ها برای دستیابی به اهداف زندگی، نه‌تنها در زمینه‌های تحصیلی، بلکه در عملکرد دنیای واقعی نیز هست. این موضوع مستلزم شناخت نقاط قوت و ضعف خود و دانستن زمان و نحوهٔ به‌کارگیری مهارت‌های شناختی و خلاقانهٔ مختلف در موقعیت‌های مختلف است (۹)؛ زیرا تأثیر هوش موفق در مدیریت کلاس استادان و عملکرد آموزشی آن‌ها موضوعی مهم در حوزهٔ آموزش است، به‌طوری که هوش موفق باعث افزایش عملکردهای خلاقانه و بهبود مدیریت کلاس می‌شود (۷) و در بهبود کیفیت مدیریت کلاس و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان بسیار تأثیرگذار است (۱۰). هوش موفق شرایط مطلوب را برای ارائه محتوای در محیط آموزشی برای استادان و دانشجویان فراهم می‌کند و فرایند یاددهی ـ یادگیری مانا را در بستر کلاس درس فراهم می‌کند.

با عنایت به اینکه دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی سنگ زیربنای توسعهٔ همه‌جانبه در هر کشور محسوب می‌شوند، نقش بی‌بدیلی در ارتقای جایگاه علمی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جوامع ایفا می‌کنند. در این ساختار پیچیده و پویا، استادان دانشگاه‌ها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین اقشار جامعه شناخته می‌شوند که علاوه‌بر انتقال دانش تخصصی، مسئولیت تربیت نسل‌های آینده را بر عهده دارند. ارتقای ابعاد روان‌شناختی اعضای هیئت‌علمی، به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند خودکارآمدی، انگیزه، اعتمادبه‌نفس و تاب‌آوری، نه‌تنها موجب بهبود کیفیت فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی آن‌ها می‌شود، بلکه تأثیر بسزایی در رشد و توسعهٔ گروه‌های هدف آنان، به‌ویژه جوانان و دانشجویان دارد. این موضوع نشان‌دهندهٔ اهمیت سرمایه‌گذاری و توجه جدی به توانمندسازی روان‌شناختی این قشر از جامعه علمی است.

در این زمینه، بهره‌گیری از رویکردهای نوین مدیریتی و روان‌شناختی مانند هوش موفق، می‌تواند در فرایند توانمندسازی اعضای هیئت‌علمی نقشی کلیدی ایفا کند. هوش موفق بر توسعهٔ توانایی‌های شناختی و هیجانی افراد تمرکز دارد و به آن‌ها کمک می‌کند تا با شناخت بهتر خود، مدیریت مؤثرتری بر احساسات و رفتارهایشان داشته باشند و به این ترتیب، در مواجهه با چالش‌های محیط آموزشی و پژوهشی، موفق‌تر عمل کنند. بنابراین، پژوهش حاضر در پی پاسخ‌گویی به این سؤال است که تأثیر هوش موفق با رویکرد آموزشی بر توانمندسازی روان‌شناختی استادان دانشگاه‌ها چگونه است.

پاسخ به این سؤال می‌تواند راهگشای طراحی برنامه‌ها و سیاست‌های مؤثر برای توسعهٔ ظرفیت‌های روان‌شناختی و مدیریتی اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها باشد و در نهایت به ارتقای سطح کیفی آموزش عالی و

[1] Sternberg

[Downloaded from ce.mazums.ac.ir on 2026-11-18]

رشد علمی و اخلاقی و اجتماعی دانشجویان و جوانان کمک کند.

مواد و روش‌ها

روش پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت، آمیخته (کیفی ـ کمی) از نوع اکتشافی متوالی بود. در مرحله کیفی، با استفاده از نظریه داده‌بنیاد و رویکرد اشتراوس و کوربین، ابعاد هوش موفق با رویکرد آموزشی شناسایی شد. داده‌های کیفی از طریق مطالعه منابع علمی و انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان گردآوری گردید. جامعه آماری بخش کیفی شامل اساتید و صاحب‌نظران دارای مرتبه علمی دانشیار و بالاتر با حداقل ۱۰ سال سابقه فعالیت علمی بود که با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. فرایند نمونه‌گیری تا دستیابی به اشباع نظری ادامه یافت و در نهایت ۱۳ مصاحبه مورد تحلیل قرار گرفت. داده‌ها با استفاده از کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شدند.

در مرحله کمی، پژوهش از نوع توصیفی ـ پیمایشی بود. جامعه آماری شامل ۱۱۶۲ نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های استان گلستان (دانشگاه فرهنگیان، آزاد اسلامی، علوم پزشکی و مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی) بود که بر اساس فرمول کوکران، ۲۸۹ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسش‌نامه محقق‌ساخته هوش موفق با رویکرد آموزشی (۶۷ گویه در ۶ بعد) و پرسش‌نامه توانمندسازی روان‌شناختی اسپریتزر و میشرا (۱۹۹۲) با ۱۲ گویه بود که بر اساس طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت تنظیم شدند.

به‌منظور بررسی روایی ابزارها از روایی صوری، محتوایی و سازه استفاده شد. روایی محتوایی با شاخص‌های CVI و CVR تأیید گردید و روایی سازه از طریق تحلیل مدل اندازه‌گیری در نرم‌افزار PLS-SEM بررسی شد. همچنین پایایی ابزارها با استفاده از پایایی ترکیبی و میانگین واریانس استخراج‌شده مورد تأیید قرار گرفت. تجزیه‌وتحلیل داده‌ها در بخش کیفی با روش تحلیل محتوای داده‌بنیاد و در بخش کمی با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری انجام شد.

یافته‌ها

برای بررسی این سؤال از آزمون معادلات ساختاری استفاده شد.

بررسی الگوی ارائه‌شده در حالت تخمین ضرایب مسیر (نمودار شماره ۱) نشان می‌دهد که «هوش موفق با رویکرد آموزشی» در توانمندسازی روان‌شناختی استادان دانشگاه‌های استان گلستان نقشی محوری، نظام‌مند و بسیار اثرگذار ایفا می‌کند. این مدل با ترسیم روابط میان شرایط علی، زمینه‌ای، عوامل مداخله‌گر، پدیدهٔ محوری، راهبردها و پیامدها، تصویری جامع از سازوکار تحقق توانمندسازی روان‌شناختی در بستر آموزش عالی ارائه می‌دهد. در مرکز مدل، متغیر هوش موفق با رویکرد آموزشی قرار دارد که با ضریب مسیر ۰/۷۲۷، در متغیر توانمندسازی روان‌شناختی اثر مستقیم و قوی دارد. این مقدار نشان می‌دهد که افزایش توانایی استادان در تلفیق هوش تحلیلی، خلاق و عملی در تدریس، به‌طور مستقیم به ارتقای احساس شایستگی، استقلال، معناداری، اعتماد و مؤثر بودن آنان منجر می‌شود.

مقدار R^2 برابر با ۰/۵۲۸ برای توانمندسازی روان‌شناختی نیز بیانگر آن است که بیش از ۵۲ درصد از واریانس این سازه با هوش موفق تبیین می‌شود که قدرت تبیین بالایی محسوب می‌شود. در سطح بالادستی مدل، شرایط علی با ضریب مسیر ۰/۶۶۶ و مقدار R^2 برابر با ۰/۴۴۴، در شکل‌گیری هوش موفق نقش مهمی ایفا می‌کنند. این شرایط شامل تجربه‌های حرفه‌ای، بازخوردهای آموزشی، دوره‌های توانمندسازی، مواجهه با تنوع دانشجویان و تغییرات محیط آموزشی است. این یافته نشان می‌دهد که هوش موفق استادان محصول فرایندی تدریجی و تجربه‌محور است و از دل مواجهه با

[Downloaded from ce.mazums.ac.ir on 2026-11-18]

چالش‌های واقعی آموزش دانشگاهی شکل می‌گیرد.

در کنار آن، شرایط زمینه‌ای با ضریب مسیر ۰/۶۸۰ و R^2 برابر با ۰/۴۶۳ بستر نهادی و سازمانی تحقق هوش موفق را فراهم می‌کنند. عواملی نظیر فرهنگ دانشگاهی، حمایت مدیریتی، انعطاف برنامهٔ درسی، دسترسی به منابع آموزشی و آمادگی دانشجویان، زمینه‌ای را ایجاد می‌کنند که در آن هوش موفق می‌تواند بالفعل شود، یا در صورت ضعف این شرایط، با محدودیت مواجه شود. این بخش از مدل نشان می‌دهد که توانمندسازی روان‌شناختی استادان صرفاً ویژگی فردی نیست، بلکه عمیقاً به ساختارها و سیاست‌های دانشگاه وابسته است. عوامل مداخله‌گر نیز با ضریب مسیر ۰/۵۴۹ و مقدار R^2 برابر با ۰/۳۰۱، در مسیر تحقق هوش موفق نقش تعدیل‌کننده دارند. این عوامل شامل ساختار ارزیابی عملکرد، فرهنگ سنتی گروه‌های آموزشی، محدودیت‌های زمانی، زیرساخت‌های فناورانه و حمایت‌های سازمانی هستند. اگرچه اثر این عوامل در مقایسه با شرایط علی و زمینه‌ای کمتر است، همچنان نقش قابل توجهی در تسهیل یا تضعیف اثرگذاری هوش موفق ایفا می‌کنند.

در بخش پدیده‌محوری، رابطه‌ای قوی میان هوش موفق و پدیده‌محوری آموزش مبتنی‌بر تلفیق هوش‌ها با ضریب مسیر ۰/۶۸۶ و R^2 برابر با ۰/۴۷۰ مشاهده می‌شود. پدیده‌محوری تجلی عینی هوش موفق در کنش‌های آموزشی استاد است؛ کنش‌هایی نظیر تطبیق روش تدریس با شرایط کلاس، طراحی خلاقانهٔ آموزش، توجه به بازخورد دانشجویان، استفاده از ابزارهای متنوع و ایجاد یادگیری معنادار. این بخش نشان می‌دهد که هوش موفق زمانی معنا پیدا می‌کند که در عمل آموزشی استاد متجلی شود.

در ادامه، راهبردهای آموزشی به‌عنوان پل ارتباطی میان پدیده‌محوری و پیامدها مطرح می‌شوند. ضریب مسیر ۰/۷۰۴ و مقدار R^2 برابر با ۰/۴۹۶ نشان می‌دهد که تقریباً نیمی از واریانس راهبردهای تدریس استادان با هوش موفق تبیین می‌شود. راهبردهایی مانند ایجاد فضای امن روانی، ارتباط همدلانه، تنوع روش‌ها، ارزیابی‌های جایگزین، بازاندیشی مستمر و طراحی آگاهانهٔ تدریس، بیانگر آن است که هوش موفق به انتخاب‌های راهبردی هوشمندانه در کلاس درس منجر می‌شود. در نهایت، پیامدها با ضریب مسیر ۰/۶۱۹ و R^2 برابر با ۰/۳۸۴ نشان‌دهندهٔ نتایج عمیق فردی و حرفه‌ای هوش موفق هستند.

افزایش احساس اثربخشی، رضایت شغلی، اعتمادبه‌نفس حرفه‌ای، کاهش فرسودگی شغلی، بهبود روابط کاری و رشد شخصی از مهم‌ترین پیامدهای این رویکرد محسوب می‌شوند. اگرچه برخی پیامدها مانند احساس تغییر واقعی در یادگیری دانشجویان ضرایب پایین‌تری دارند، همچنان معنادار است و نشان‌دهندهٔ اثر تدریجی و انباشتی هوش موفق هستند.

در مجموع، نتایج مدل تخمین ضرایب مسیر نشان می‌دهد که هوش موفق با رویکرد آموزشی، ستون فقرات توانمندسازی روان‌شناختی استادان دانشگاه‌های استان گلستان است. این متغیر از طریق تعامل پیچیده با شرایط فردی، سازمانی و فرهنگی، نه‌تنها کیفیت تدریس، بلکه کیفیت تجربهٔ شغلی و هویت حرفه‌ای استادان را ارتقا می‌دهد. یافته‌ها بر ضرورت توجه سیاست‌گذاران آموزش عالی به توسعهٔ هوش موفق در برنامه‌های توانمندسازی اعضای هیئت‌علمی تأکید می‌کند؛ چراکه سرمایه‌گذاری در این حوزه، پیامدهای پایدار آموزشی و انسانی به‌همراه خواهد داشت.

مدل ارائه‌شده در حالت تخمین ضرایب مسیر (معناداری روابط) (نمودار ۲) تصویری جامع، منسجم و مبتنی‌بر شواهد آماری از روابط بین هوش موفق با رویکرد آموزشی و توانمندسازی روان‌شناختی استادان دانشگاه‌های استان گلستان ارائه می‌دهد. این مدل نه‌تنها شدت اثر روابط را نشان می‌دهد، بلکه با نمایش مقادیر آماره‌های معناداری (t-value)، اعتبار و استحکام روابط علّی را بین سازه‌ها نیز تأیید می‌کند. مقادیر بالاتر از ۱/۹۶ در این مدل بیانگر معناداری روابط در سطح اطمینان ۹۵ درصد هستند و بررسی نمودار نشان می‌دهد

[Downloaded from ce.mazums.ac.ir on 2026-11-18]

که تمامی مسیرهای اصلی و فرعی از این آستانه فراتر رفته‌اند؛ موضوعی که حاکی از برازش مناسب مدل مفهومی پژوهش است.

در مرکز مدل، متغیر هوش موفق با رویکرد آموزشی به‌عنوان هستهٔ اصلی نظریه قرار دارد. ضریب مسیر این متغیر به‌سمت توانمندسازی روان‌شناختی با مقدار معناداری ۲۱/۶۲۳ نشان می‌دهد که اثر هوش موفق در توانمندسازی روان‌شناختی استادان بسیار قوی و از نظر آماری کاملاً معنادار است. این یافته بیانگر آن است که توانایی استادان در تلفیق هوش تحلیلی، خلاق و عملی در تدریس، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری احساس شایستگی، استقلال، معناداری، اعتماد و مؤثربودن آنان دارد. به بیان دیگر، هوش موفق به‌عنوان نوعی ظرفیت حرفه‌ای، زیربنای اصلی توانمندسازی روان‌شناختی در محیط دانشگاهی محسوب می‌شود.

در بخش بالادستی مدل، شرایط علی با مقدار معناداری ۱۹/۲۱۴ تأثیر قابل توجهی بر هوش موفق با رویکرد آموزشی دارند. این مقدار بالا نشان می‌دهد که تجربه‌های حرفه‌ای استادان، بازخوردهای دریافتی از دانشجویان، شرکت در دوره‌های توانمندسازی، مواجهه با چالش‌های آموزشی و مشاهدهٔ الگوهای موفق تدریس، در شکل‌گیری هوش موفق نقش بنیادینی ایفا می‌کنند. معناداری بالای این مسیر تأیید می‌کند که هوش موفق پدیده‌ای ایستا یا ذاتی نیست، بلکه در تعامل مستمر با تجربه‌های آموزشی و حرفه‌ای رشد می‌یابد. شرایط زمینه‌ای نیز با مقدار معناداری ۱۹/۲۶۰ در هوش موفق اثر مستقیمی دارند. این شرایط شامل فرهنگ دانشگاهی، حمایت مدیریتی، دسترسی به منابع آموزشی، انعطاف برنامهٔ درسی و سطح آمادگی دانشجویان است.

معناداری بالای این مسیر نشان می‌دهد که حتی اگر استاد انگیزه و توانمندی فردی داشته باشد، بدون فراهم‌بودن بسترهای نهادی و سازمانی، امکان بروز کامل هوش موفق محدود خواهد شد. بنابراین، توانمندسازی روان‌شناختی استادان، نه‌تنها محصول ویژگی‌های فردی، بلکه نتیجهٔ تعامل استاد با ساختار و فرهنگ دانشگاه است. در کنار این عوامل، عوامل مداخله‌گر با مقدار معناداری ۱۵/۲۵۶ در مسیر تحقق هوش موفق نقش تعدیل‌کننده ایفا می‌کنند. عواملی مانند ساختار ارزیابی عملکرد هیئت‌علمی، فرهنگ سنتی گروه‌های آموزشی، محدودیت‌های زمانی، کمبود زیرساخت‌های فناورانه و میزان حمایت سازمانی می‌توانند شدت اثر هوش موفق را افزایش یا کاهش دهند. اگرچه مقدار معناداری این مسیر در مقایسه با شرایط علی و زمینه‌ای کمتر است، همچنان فراتر از سطح معناداری قرار دارد و نشان می‌دهد که نادیده‌گرفتن این عوامل می‌تواند اثربخشی برنامه‌های توانمندسازی را تضعیف کند.

در سطح میانی مدل، پدیده‌محوری با مقدار معناداری ۱۷/۸۰۱ به‌عنوان تجلی عینی هوش موفق در کنش‌های آموزشی استاد ظاهر می‌شود. این پدیده شامل تطبیق روش تدریس با شرایط کلاس، طراحی خلاقانهٔ آموزش، توجه به بازخورد دانشجویان، استفاده از ابزارهای متنوع و ایجاد یادگیری معنادار است. معناداری بالای این مسیر نشان می‌دهد که هوش موفق زمانی معنا و اثر واقعی پیدا می‌کند که در رفتارها و تصمیم‌های آموزشی استاد نمود یابد. به عبارت دیگر، پدیده‌محوری حلقهٔ اتصال بین توانمندی شناختی و عمل آموزشی است. راهبردهای آموزشی نیز با مقدار معناداری ۲۱/۱۱۲ رابطه‌ای بسیار قوی با هوش موفق دارند. این راهبردها شامل فعال‌سازی دانشجویان، ایجاد فضای امن روانی، ارتباط همدلانه، تنوع روش‌های تدریس، ارزیابی‌های جایگزین و بازاندیشی مستمر در تدریس است. معناداری بالای این مسیر نشان می‌دهد که هوش موفق به انتخاب راهبردهای آگاهانه، انعطاف‌پذیر و خلاقانه منجر می‌شود و استادان برخوردار از هوش موفق، از الگوهای تدریس سنتی فاصله گرفته‌اند و به‌سمت یادگیری عمیق و مشارکتی حرکت می‌کنند.

در بخش پیامدها، رابطهٔ هوش موفق با پیامدهای حرفه‌ای و روان‌شناختی با مقدار معناداری ۱۴/۱۳۲ تأیید شده است. این پیامدها شامل افزایش احساس اثربخشی

[Downloaded from ce.mazums.ac.ir on 2026-11-18]

شخصی، رضایت شغلی، اعتمادبه‌نفس حرفه‌ای، کاهش فرسودگی شغلی، بهبود روابط کاری و رشد شخصی است. اگرچه مقدار این مسیر در مقایسه با برخی مسیرهای دیگر کمتر است، همچنان کاملاً معنادار است و نشان می‌دهد که آثار هوش موفق، به‌تدریج و در بلندمدت، در تجربهٔ حرفه‌ای استادان نمایان می‌شود.

در نهایت، متغیر توانمندسازی روان‌شناختی خود به ابعاد پنج‌گانه‌اش شامل احساس شایستگی، احساس اعتماد، احساس مؤثربودن، احساس استقلال و احساس معنادار بودن با مقادیر معناداری بسیار بالا (از ۲۳/۴۱۴ تا ۴۵/۶۳۹) مرتبط است. این مقادیر بالا نشان می‌دهد که سازهٔ توانمندسازی روان‌شناختی به‌درستی عملیاتی شده و هریک از ابعاد آن به‌طور معناداری این مفهوم را تبیین می‌کنند. به‌ویژه بعد احساس معنادار بودن با مقدار بسیار بالای ۴۵/۶۳۹ نشان می‌دهد که معنا در کار آموزشی، هستهٔ اصلی توانمندسازی استادان است. در مجموع، مدل تخمین ضرایب مسیر نشان می‌دهد که هوش موفق با رویکرد آموزشی، موتور محرک توانمندسازی روان‌شناختی استادان دانشگاه‌های استان گلستان است. این متغیر در تعامل با شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر، از طریق پدیده‌محوری و راهبردهای آموزشی، به پیامدهای مثبت حرفه‌ای و در نهایت به توانمندسازی روان‌شناختی منجر می‌شود. استحکام و معناداری بالای تمامی مسیرها، اعتبار نظری و تجربی مدل را تأیید و بر ضرورت توجه سیاست‌گذاران آموزش عالی به توسعهٔ هوش موفق در برنامه‌های رشد حرفه‌ای اعضای هیئت‌علمی تأکید می‌کند.

بحث

هوش موفق شرایط دستیابی به اهداف عالی را برای افراد، به‌ویژه کسانی که در حوزهٔ آموزش و پژوهش فعالیت دارند، فراهم می‌کند. برای توانمندی افراد، خصوصاً استادان دانشگاه و پژوهشگران، ضروری است که علاوه‌بر این ابعاد هوش موفق، مهارت‌های مرتبط مانند مدیریت هیجانات، حل مسئله، خودآگاهی و سازگاری با محیط را نیز توسعه دهند، تا بتوانند در مسیر دستیابی به اهداف آموزشی و پژوهشی، به بهترین نحو عمل کنند. هوش موفق در توانمندسازی روان‌شناختی استادان دانشگاه نقش کلیدی و چندوجهی دارد. براساس پژوهش‌ها، هوش موفق ترکیبی از مهارت‌های شناختی، عاطفی و عملی است که به استادان کمک می‌کند توانمندی‌های روان‌شناختی خود را توسعه دهند و بهبود بخشند (۲۱)؛ زیراکه استادان دانشگاه اهمیت زیادی دارند و نقش کلیدی و بنیادینی در نظام آموزشی ایفا می‌کنند. آن‌ها مسئولیت انتقال دانش، ایجاد انگیزه، رشد فکری و شخصیتی دانشجویان و انجام پژوهش‌های علمی را بر عهده دارند. کیفیت آموزش، سلامت روان دانشجویان و توسعهٔ علمی دانشگاه‌ها به توانمندی و عملکرد مؤثر استادان بستگی دارد (۲۲). بنابراین، توجه به حیطه‌های روان‌شناختی آن‌ها در کنار دیگر حیطه‌ها، بسیار مهم و ضروری است.

برای توانمندی افراد، خصوصاً استادان دانشگاه و پژوهشگران، ضروری است که علاوه‌بر این ابعاد هوش موفق، مهارت‌های مرتبط مانند مدیریت هیجانات، حل مسئله، خودآگاهی و سازگاری با محیط، مدیریت کلاس و فضای درس، مدیریت دانش، مدیریت پژوهشی، مدیریت ارتباط، قدرت تعامل علمی و اجتماعی، مهارت حرفه‌ای، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ... را نیز توسعه دهند تا بتوانند در مسیر دستیابی به اهداف آموزشی و پژوهشی به بهترین نحو عمل کنند (۲۳-۲۷).

هوش موفق بخشی از ضرورت توانمندی استادان در دانشگاه‌هاست و مطالعات متعددی در جهت تأثیرات هوش موفق صورت گرفته است و نتایج مختلفی یافت شده است که هریک بر جنبه‌ای از آثار هوش موفق اشاره کرده است. برای مثال، آموزش مؤلفه‌های هوش موفق می‌تواند باعث افزایش نمرات استدلال سیال و درک کلامی شود. بنابراین، می‌توان از برنامهٔ آموزش مؤلفه‌های هوش موفق به‌عنوان نوعی روش آموزشی مؤثر در جهت افزایش استدلال سیال و درک کلامی

[Downloaded from ce.mazums.ac.ir on 2026-11-18]

استفاده کرد (۱۶) و البته هوش موفق به استادان کمک می‌کند توانمندی‌های شناختی، عاطفی و رفتاری خود را بهبود ببخشند که این موضوع باعث کاهش استرس، افزایش تاب‌آوری و ارتقای سلامت روانی و روان‌شناختی آن‌ها می‌شود (۲۱). این رویکرد می‌تواند قدرت استدلال استادان را ارتقا دهد و تسلط بر مدیریت کلاس را تقویت کند؛ زیرا محیط مقدس کلاس درس در دانشگاه محل بروز استعدادهای بالقوهٔ دانشجویان است و نقطهٔ آغازین و آمادگی آن‌ها به عرصهٔ کار و محیط اجتماعی است. بنابراین، باید به مقولهٔ هوش موفق در استادان توجه ویژه‌ای کرد.

عوامل متعددی بر دستیابی افراد، خصوصاً استادان، به هوش موفق وجود دارد؛ مثلاً باورهای انگیزشی و درگیری تحصیلی، باورهای انگیزشی و درگیری تحصیلی در هوش موفق نقش کلیدی دارند و لزوم توجه به این عوامل در برنامه‌های آموزش‌وپرورش ضروری است (۲۸). در واقع، باورهای انگیزشی باعث بهبود هوش موفق می‌شود (۳۲-۲۹) و البته درگیری تحصیلی نقش واسطه‌های در ارتباط میان باورهای انگیزشی با هوش موفق دارد (۳۳، ۲۸، ۱۰، ۱).

هوش موفق صرفاً بر محیط دانشگاه تمرکز نمی‌کند؛ همهٔ محیط‌ها را نیز در بر می‌گیرد. برای موفقیت در مدرسه و بعد از آن، در زندگی، هوش موفق مهم است. هوش موفق به‌عنوان توانایی کسب موفقیت در زندگی مبتنی‌بر اهداف شخصی در بافت فرهنگی اجتماعی، با کاربرد تعادل در استفاده از مهارت‌های عملی، خالق و تحلیلی در نظر گرفته می‌شود (۳۴). به همین خاطر، استفادهٔ مدیران مدارس از هوش موفق، به‌واسطهٔ خودکارآمدی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های باورهای انگیزشی، به عملکرد خلاقانهٔ معلمان منجر می‌شود (۳۵). همین نیز قابل تعمیم به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی است.

هوش موفق، که شامل سه مؤلفهٔ تحلیلی، خلاق و عملی است، در بهبود عملکرد علمی و آموزشی و توانمندسازی روان‌شناختی افراد، به‌ویژه استادان دانشگاه و دانشجویان نقشی بسیار کلیدی ایفا می‌کند. بر این اساس، آموزش‌هایی که بنای به‌کارگیری نظریهٔ هوش موفق داشته باشند، به افزایش مهارت‌های حل مسئله، تفکر انتقادی، خودکارآمدی و انگیزش تحصیلی، توسعهٔ ابعاد فردی و اجتماعی منجر می‌شود. ضمن اینکه با به‌کارگیری رویکرد هوش موفق در آموزش، استادان می‌توانند تعادل مناسبی میان هوش‌های تحلیلی، خلاق و عملی برقرار کنند و به‌صورت جامع‌نگر در بخش‌های مختلف علمی و آموزشی پیشرفت کنند. همچنین، هوش موفق به افراد کمک می‌کند تا در مواجهه با چالش‌های آموزشی و پژوهشی، با تعادل میان این سه نوع هوش، توانمندی‌ها و خلاقیت‌های خود را شکوفا کنند. این موضوع به افزایش تاب‌آوری روان‌شناختی، کاهش اضطراب و بهبود عملکرد کاری استادان منجر می‌شود. در نتیجه، توسعه و آموزش مهارت‌های هوش موفق در استادان دانشگاه به‌عنوان راهکار علمی و عملی برای ارتقای توانمندی روان‌شناختی و عملکرد آموزشی و پژوهشی توصیه می‌شود. ضمن اینکه باید مراکز آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی بستر دستیابی به مهارت‌های هوش موفق را برای استادان فراهم کنند.

نتیجه‌گیری

راهکارهای ایجاد دوره‌های تخصصی هوش موفق، تولید محتوای استاندارد و جذاب و گیرای هوش موفق برای استادان، ادغام رویکردهای هوش موفق به دوره‌های آموزشی بدو استخدام و دوره های ضمن خدمت یا آموزش مداوم و ... برای استادان، ادغام آموزه‌های هوش هیجانی با هوش موفق برای استادان، فراهم‌کردن بستر برای حمایت و پشتیبانی و مشاورهٔ روان‌شناختی استادان، تدوین استانداردهای توانمندسازی روان‌شناختی در کنار توانمندسازی‌های حرفه ای و علمی، فراهم‌کردن رویکردهای ارزیابی و ارشیابی مستمر و نظام‌مند، حمایت از نوآوری آموزشی و تشویق استادان به استفاده از روش‌های تدریس خلاقانهٔ مبتنی‌بر

[Downloaded from ce.mazums.ac.ir on 2026-11-18]

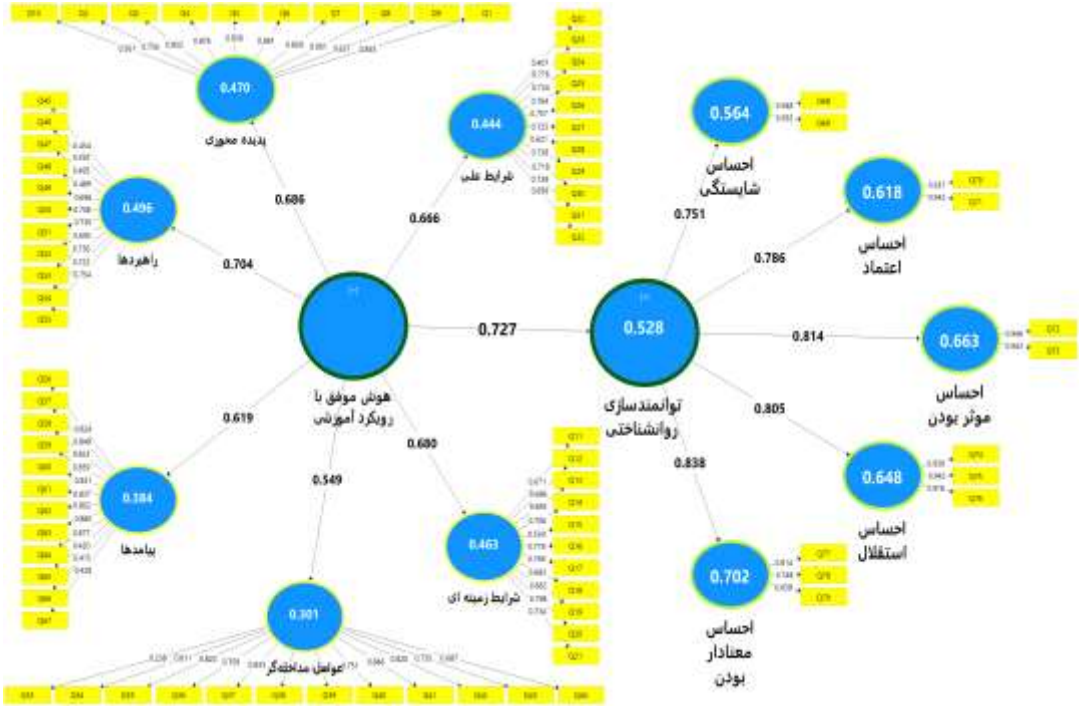
هوش موفق و ... می‌توانند به‌شکل مؤثری استادان دانشگاه را در مسیر رشد حرفه‌ای و بهبود کیفیت آموزشی قرار دهند و زمینه‌ساز محیطی پویا و موفق برای آموزش عالی باشند. البته سیاست‌گذاران خرد و کلان آموزشی باید بر توانمندی‌های فردی استادان و نیازهای مبرم آن‌ها در طول دوره کاری‌شان توجه ویژه‌ای داشته باشند و برای تحقق این هدف راهکارهای مختلفی اتخاذ کنند؛ راهکارهای همانند شناسایی دقیق نیازهای فردی استادان، طراحی برنامه‌های توسعهٔ حرفه‌ای شخصی‌سازی‌شده، ایجاد فضای حمایتی و کمکی روان‌شناختی و مشاورهای مستمر، تدوین سیاست‌های انعطاف‌پذیر، ایجاد فرهنگ سازمانی مثبت، مؤثر و انگیزشی و ... .

با توجه به این اقدامات، سیاست‌گذاران می‌توانند مسیر رشد حرفه‌ای و توانمندسازی روان‌شناختی استادان را به‌شکل مؤثر هدایت کنند و کیفیت آموزش عالی را بهبود بخشند.

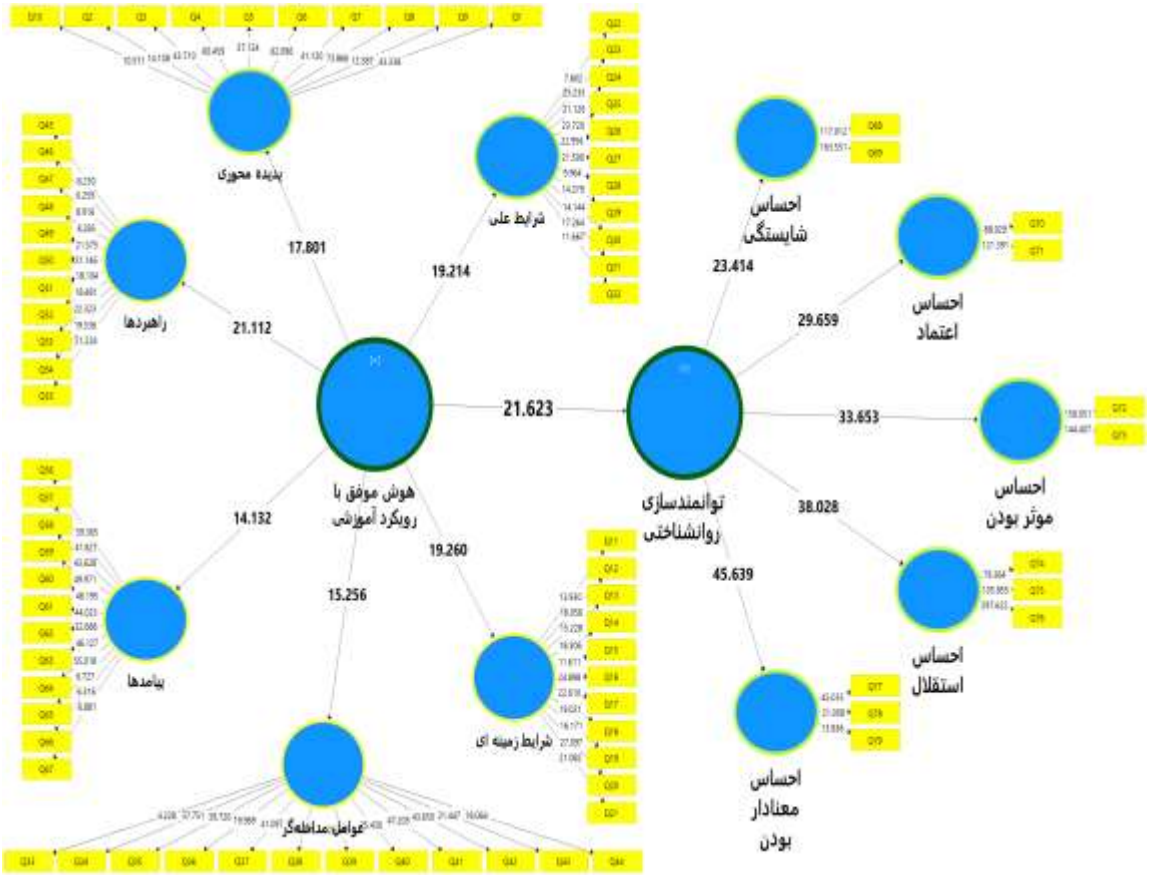
تعارض منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تعارض منافعی با یکدیگر ندارند

[Downloaded from ce.mazums.ac.ir on 2026-11-18]



شکل شماره ۱. روابط بین هوش موفق با رویکرد آموزشی و توانمندسازی روان‌شناختی استادان در حالت تخمین ضرایب مسیر



شکل شماره ۲. روابط بین هوش موفق با رویکرد آموزشی و توانمندسازی روان‌شناختی استادان در حالت معنی‌داری ضرایب مسیر

[Downloaded from ce.mazums.ac.ir on 2026-11-18]

References

1. Saw KNN, Han B. Prospective teachers' academic success in Myanmar: successful intelligence and personality effects. J Educ Teach. 2022;48(1):72-88.
2. Oliveira M, Andrade JR, Ratten V, Santos E. Psychological empowerment for the future of work: evidence from Portugal. Glob Bus Organ Excell. 2023;42(5):65-78.
3. Nowrozi N, Nouri JM, Ebadi A, Khamseh F. Investigating the relationship between emotional intelligence and psychological empowerment of nursing managers of selected military hospitals. Q J Nurs Manag. 2023;12(1):7-16.
4. Putra ASB, Kusumawati ED, Kartikasari D. Pengaruh persepsi keuangan dan pengelolaan keuangan terhadap perencanaan keuangan: peran mediasi literasi keuangan. Perform J Bisnis Akunt. 2024;14(1):377-91.
5. Bahadori S, Sharifirad G, Fazlolahi Qomshi S. Factors affecting the empowerment of faculty members of Qom Azad University: a qualitative study. Iran J Med Educ. 2023;23:253-67.
6. Wrahatnolo T, editor. 21st centuries skill implication on educational system. IOP Conference Series: Materials Science and Engineering. 2018;296(1):012036.
7. Majooni H, Taajobi M. The Effect of successful intelligence on creative performance through the mediating role of teachers' self-efficacy. New Educ Appr. 2022;17(1):85-98.
8. Akrami L, Abedi A, Salehzadeh M. The effect of educational program based on the theory of successful intelligence on structure of teaching, increasing the sense of efficiency and implicit intelligence theories in teachers of boys and girls in primary school. Res Teach. 2019;7(4): 192-213.
9. Baramake Z, Fadavi MS, Yousefi Z. Development of a successful intelligence training package aimed at reducing high-risk behaviors especially for teenagers. J Psychol Dyn Mood Disord. 2024;2(4):101-14.
10. Masumzadeh S, Hajhosseini M. Effectiveness of successful intelligence based education on critical thinking disposition and academic engagement students. J Educ Human Dev. 2019;8(1):106-15.
11. Mansouri Hassanabadi FA, A. The effectiveness of successful intelligence training on the abilities of low-achieving gifted students: a single case study. Studies in Psychology and Educational Sciences (Iranian Center for the Development of Modern Education). 2023;45(9):203-15.
12. Ghobadi L, Habibikaleybar R, Farid A, Mesrabadi J. The effect of teaching successful intelligence components on creativity and academic performance of elementary school students. Innov Creat Human. 2021;41(11):45-65.
13. Radwan FH, Jarjis MI. Successful Intelligence (Analytical, Practical, Creative) Levels among Gifted Students. Zanco Journal of Human Sciences. 2023;27(SpB):282-99.
14. Kordnoghabi R, Veisi S. Developing a model of wisdom based on successful intelligence and psychological well-being in students: the mediating role of creativity. Posit Psychol Res. 2024;10(3):29-50.
15. Mohkamkar A, Shaterian F, Nikookar A. The effectiveness of education based on successful intelligence on emotional self-awareness and academic engagement of secondary school students. Soc Educ. 2024;10(1):305-13.
16. Kamkar P, Saedipour E, Delavar A, Borjali A. Investigating the effectiveness of successful intelligence components training based on sternberg's triarchic theory on increasing fluid reasoning and verbal comprehension. J Psychol Sci. 2021;20(104):1251-66.
17. Alghazo KM, Abu Qbeita AA, Rababah MA, Malkawi NA. English language teachers' employment of successful intelligence skills. Int J English Lang Lit Stud. 2023;12(2):184-94.
18. Llorente-Alonso M, García-Ael C, Topa G. A meta-analysis of psychological empowerment: antecedents, organizational outcomes, and moderating variables. Cur Psychol. 2024;43(2):1759-84.
19. Abidi Hourilar L, Pabouyan V, Avanesyan H. The relationships of emotional intelligence and social capital to professional competence: a study on the faculty members of universities. Soc Psychol Res. 2020;10(39):22-1.
20. Ghorbani R, Khormaiee F, Ghasemi H. The model of wisdom: role of personality traits, successful intelligence with the meditating of patience and self-efficacy. J Dev Psychol. 2022;18(71):221-33.
21. Azadmard S, Talebi H. Effectiveness of teaching for successful intelligence on future teacher's learning cognitive and affective outcomes. J Educ Psychol. 2016;12(39):199-223.
22. Tahazadeh M. Faculty and its position in the university. Moj. 2012;4(5):22-47.
23. Shokoohi R, Rostami H, Rostami F. The effectiveness of teaching Sternberg's successful intelligence on improving engagement to school and academic self-concept of elementary school students. J New Adv Behav Sci. 2022;7(55):405-15.
24. Amini M, Najafipour S, Torkan N, Ebrahimi Nejad F. Correlation between educational performance and communication skills of Jahrom medical teachers. J Babol Univ Med Sci. 2010;12(5):100-5.
25. Al-Hosnawi V M, G Mahraty ,Y Farahi ,M. Enumerating the components of ethical educational leadership and examining its impact on the social responsibility of faculty members in Iraqi universities. Iran J Polit Soc. 2022;5(8):2004-25.

[Downloaded from ce.mazums.ac.ir on 2026-11-18]

26. Dehghanpour Farashah A, Pourezzat A, Dehghanpour Farashah A. Identify the characteristics of engaged faculty members of public universities in Iran. Public Manag Res. 2022;15(56):5-28.
27. Taherizadeh Z, Salimi G, Salehizadeh S. The relationship between university professors' communication skills and their teaching skills from students' perspective. Educ Lead Manag. 2011;5(2):95-116.
28. Aghaei A, Hejazi E, Hosseinchari M. The relationship between motivational beliefs with successful intelligence: the mediating role of academic engagement. Rooyesh. 2023;12(6):1-12.
29. Arami Z, Manshaee G, Abedi A, Sharifee T. The comparison of motivational beliefs, metacognitive skills and self-regulation learning between gifted and ordinary students of the city of Isfahan. New Educ Appr. 2016;11(2):59-70.
30. Liou P-Y. Profiles of adolescents' motivational beliefs in science learning and science achievement in 26 countries: results from TIMSS 2011 data. Int J Educ Res. 2017;81(7):83-96.
31. Ghodsi A, Talepasand S, Rezai A, Mohamadifar M. Antecedents of academic engagement: Testing a model Based on expectancy-value theory. Educ Psychol. 2019;15(51):231-57.
32. Qavam SE, Movaffagh LO, Delavar A, Sadipour E, Dortaj F. The effectiveness of instruction program based on generative learning theory on cognitive and meta cognitive self-regulation and motivational beliefs. Dev Psychol. 2019;15(60):403-17.
33. Samsami A, Zoghi L ,Shariat Bagheri MM. Presenting a structural pattern of help seeking based on self-determination, self-compassion and flourishing through mediating role of educational engagement and motivational beliefs in students. Iran J curric stud. 2022;17(66):315-34.
34. Sternberg RJ, Grigorenko EL. Teaching for successful intelligence: to increase student learning and achievement. Corwin Press; 2007.
35. Ghanbari S, Majooni H. The impact of ethical leadership on school organizational effectiveness through the mediating role of psychological empowerment and creative teachers. J Res Educ Sys. 2021;15(53):163-78.

[Downloaded from ce.mazums.ac.ir on 2026-11-18]